

حقوق اسلامی

ارزش جهانی خود را باز می یابد

(این مقاله برای شماره مخصوص سال هشتم، تهیه شده بود ولی به علت تراکم مقالات در آن شماره، چاپ آن موکول به این شماره گردید)

در قرن بیستم یک نهضت قانونگزاری در کشورهای اسلامی شروع شد که در نتیجه آن بسیاری از قوانین فقه اسلامی در عین کمال سازگاری با افکار و سنن و آداب و مقتضیات طبیعی و محلی کشورهای اسلامی کنار گذاشته شد!

امروز که مسلمانان جهان بعنوان چهاردهمین قرن بعثت میراث بزرگ اسلام را زنده میکنند، امروز که میخواهند اسلام برای آنان یک منبع الهام بخش فکری و معنوی و سرچشمه تجدید حیات و عظمت باشد بسیار لازم است با تاسوه این نهضت قانونگزاری غیر منطقی توجه شود. باید قوانین ناسازگار غربی که بر این جامعهها تحمیل شده کنار رود و قوانین اصیل و سازگار فقه اسلامی جای آن را بگیرد.

* * *

جامعه شناسان تصریح میکنند که باید قوانین هر جامعه با افکار و عقاید، روحیات و آداب و رسوم، مقتضیات طبیعی و اقتصادی آن جامعه سازگار باشد. اگر قوانین با این اوضاع وفق ندهد بزودی از صحنه زندگی اجتماعی طرد میشود و هیچ قدرتی قادر نخواهد بود آن را بر اجتماع تحمیل کند، این چنین قانونی صلاحیت نخواهد داشت انتظام اجتماعی و عدالت و انصاف را که هدف نهائی از قانونگزاری است تأمین کند. این قانون مزاحم رشد اجتماعی ملت ها خواهد شد پیشرفشان را در جنبه های مختلف زندگی اجتماعی متوقف خواهد کرد و بطور خلاصه باید گفت قانونیکه با زمینه های فکری و اجتماعی و اقتصادی یا دشمن مخالف باشد تکامل طبیعی جامعه را خنثی خواهد ساخت. به اینجهت می بینیم تمام ملت های نیر و مند جهان نظام قانونی مخصوص به خود داشته اند، که این نظام در طول قرن ها از اعماق اجتماع آنها به وجود آمده بود، کلدانها، آشوریها، مصر قدیم

روم قدیم ، یونان قدیم مجموعه های قانونی متناسب با خود داشتند و امروزه در جهان ، چند مکتب حقوقی معروف وجود دارد مانند : مکتب حقوقی انگلستان ، مکتب حقوقی فرانسه ، مکتب حقوقی آلمان که هر کدام از اینها در شرایط و اوضاع خاص در یک قسمت از جهان ما حکومت و نفوذ دارد .

امروز زمینهها و اوضاع فکری و اجتماعی و اقتصادی خاصی شرق را از غرب جدا میکند ، آداب و رسوم ، افکار و عقاید ، روابط اجتماعی ، اوضاع اقتصادی و طبیعی و فلسفه زندگی شرق با غرب کاملاً متفاوت است و از اینرو بی تردید نظامهای قانونی غرب ، برای کشورهای شرقی نارسا و خطرناک است در حالیکه قوانین فقه اسلامی که از سرچشمه وحی گرفته شده و در طول قرنها در کشورهای شرق اسلامی رشد و تکامل پیدا کرده با این زمینهها سازگاری تمام داشته و دارد .

قوانین فقه اسلامی در طول قرنهای گذشته ، تمام احتیاجات جوامع اسلامی را برآورده با روح عدالت و انصاف و مصالح اجتماعی هماهنگی تمام داشته است ، جامعه اسلامی در مترقی ترین عصرهایش از کشور چین تا اسپانیا گسترده شده بود تمام اطراف دریای مدیترانه در زیر پرچم اسلام بود و در این سرزمین وسیع ، ملت‌های گوناگون از نژادهای مختلف زندگی میکردند ، این جامعه از ایرانیان ، اعراب و رومیها تشکیل میشد ، این قوانین اسلامی بود که زندگی اجتماعی این توده عظیم را منظم ساخت و در تمام آن مدت طولانی که حکومت اسلام بر این سرزمینهای وسیع گسترده بود هیچگاه اتفاق نیفتاد که جامعه اسلامی در مسئله قانونگزاری دست احتیاج به یگانگان دراز کند ، هر وقت حادثه و مسئله تازه ای در محیطهای جدید برای مسلمانان پیش می آمد باب تازه ای از اجتهاد فقهی بر روی فقهای مسلمان گشوده میشد و در بر توان عطا پذیر و وسعت فقه اسلامی مشکلات حل میشد .

اینطور نیست که وسعت و انعطاف پذیری این فقه بزرگ تنها به درد دورانهای گذشته بخورد ، فقه اسلامی صلاحیت دارد جوامع اسلامی را با همه تحولاتیکه در آنها پیدا شده و یا میشود امروزه اداره و رهبری کند ، البته در صورتیکه با کاوش و تحقیق وسیعی رابطه احتیاجات عصر با موازین فقه اسلامی مورد مطالعه و بررسی دانشمندان مسلمان قرار بگیرد .

«هاکنج» محقق معروف امریکائی و استاد فلسفه دانشگاه «هاروارد» در کتاب «روح سیاست جهانی» که در سال ۱۹۳۲ به چاپ رسیده در باره آینده فرهنگ اسلامی ، پس از آنکه بحث مسوولی راجع با اصول و مبادی فقه اسلامی و مذاهب فقهی معروف ایراد میکند چنین میگوید : راه پیشرفت کشورهای اسلامی این نیست که از نظامها و ارزشهای غرب تقلید کنند و آنرا در زندگی خودشان به کار بندند عده ای میپرسند آیا در اسلام این نیرو وجود دارد که افکار جدیدی تولید کند و قوانین و دستورات ممتاز و مستقلاً برای بشر عرضه بدارد که کاملاً با احتیاجات

و مقتضیات زندگی جدید موافق باشد؟ پاسخ اینست که در نظام اسلامی نه تنها هر نوع استعداد و آمادگی برای پیشرفت و تکامل وجود دارد بلکه قابلیت تطور نظام اسلامی از بسیاری از نظام‌های دیگر بیشتر است.

مشکل کشورهای اسلامی این نیست که در آئین اسلام ابزار پیشرفت نیست بلکه اینست که (متأسفانه) در این کشورها تمایل و اراده لازم برای استفاده از این ابزار پیشرفت وجود ندارد، «من با کمال واقع بینی درک می‌کنم که شریعت اسلامی کلیه مبادی و اصول لازم برای پیشرفت و تکامل را در بردارد».

واقعیت بر جسته‌ای که این دانشمند امریکائی بیان داشته تاکنون در چند کنفرانس جهانی مورد تصدیق قرار گرفته است. در چند کنفرانس علمی جهانی به عظمت و وسعت وی نیاز به فقه اسلامی تصریح شده و ما برای نمونه به دو کنفرانس اشاره می‌کنیم:

در سال ۱۹۳۷ کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی در «لااهه» (هلند) تشکیل شد، در این کنگره هیئتی از علماء فقه اسلامی شرکت داشتند (۱) و دو بحث بزرگ زیر را از نظر فقه اسلامی مطرح ساختند و مورد بررسی قرار دادند:

مسئولیت جنائی و مدنی از نظر اسلام.

روابط و علاقه فقه اسلامی با حقوق رم.

پس از ایراد این بحثها و دادن توضیحات لازم در باره آنها کنگره قرارهای زیر را صادر کرد:

۱- فقه اسلامی یکی از مصادر قانونگزاری در جهان امر و زه می‌تواند باشد.

۲- فقه اسلامی حقوق زنده ایست که صلاحیت کامل برای تطور و

انعطاف دارد.

۳- فقه اسلامی مستقل است و از هیچ مکتب حقوقی دیگر گرفته نشده است.

۴- مسئولیت جنائی در فقه اسلامی جزء مراجع و مأخذ علمی کنگره

قرار بگیرد و بعنوان يك مرجع حقوقی تطبیقی شناخته شود.

۵- در دوره آینده کنگره، زبان عربی از جمله زبان‌های رسمی کنگره

قرار داده شود (۲)

در سال ۱۹۵۱ میلادی دانشکده حقوق پاریس، هفته‌ای را برای بررسی فقه اسلامی معین

(۱) شیخ محمود شلتوت رئیس فقید دانشگاه الازهر عضو این هیئت بود و بحثهای نامبرده

را او ایراد کرد.

(۲) مجله «الوعی الاسلامی»، (چاپ کویت)

کرد، مسئولان کار به دانشمندان جهان اسلام پیشنهاد نمودند نظر فقه اسلامی را درباره چند موضوع که نام میبریم اظهار بدارند و درباره قسمتهای دیگر فقه اسلامی نیز اگر خواستند بحث کنند. موضوعات تعیین شده عبارت بود از:

- ۱ - طرق اثبات مالکیت در فقه اسلامی.
- ۲ - موارد و شرائط ضبط املاک خصوصی برای مصالح اجتماعی و عمومی.
- ۳ - مسئولیت جنائی.
- ۴ - تاثیر متقابل مذاهب فقهی اسلامی در یکدیگر.

رئیس کانون و کلاب پاریس که ریاست این کنفرانس را به عهده گرفته بود در آخرین جلسه چنین اظهار داشت:

نمیدانیم میان فکری که سابقاً درباره جمود حقوق اسلامی و عدم صلاحیت استناد به آن در مسائل نوظهور و قوانین جدید داشتیم و آنچه در این کنفرانس فهمیدیم و شنیدیم چگونه جمع کنیم؟ در این کنفرانس بدون تردید بما ثابت شد که حقوق اسلامی از عمق و اصالت و دقت خاصی برخوردار است، دامنه آن بسیار وسیع است و صلاحیت دارد به تمام احتیاجات و حوادث عصر ما پاسخ مثبت دهد.

هفته مخصوص فقه اسلامی پایان یافت در حالیکه این تصویرنامه را صادر کرده بود:

بدون تردید، فقه اسلامی این ارزش را دارد که از منابع قانونگزاری جهان حاضر قرار بگیرد در اقوال و آراء مختلف مذاهب فقه اسلامی، سرمایه حقوقی فراوانی وجود دارد که مورد هر گونه اعجاب است، فقه اسلامی در پرتو این آراء میتواند جوابگوی همه احتیاجات زندگی جدید باشد (۱)

* * *

ما با این طرز فکر که مسلمانان، خود، تحقیق را کنار گذاشته ارزش سرمایه های اسلامی را از زبان غربیان بشنوند مخالفیم و با این استشهادها تنها میخواهیم برسانیم که دانشمندان جهان ارزش مکتب حقوقی اسلام را بخوبی دریافته اند و این مایه کمال تأسف است که مسلمانان غرب زده هنوز هم در قانونگزاری دست نیاز بسوی غرب دارند باید به همت دانشمندان برجسته اسلامی این دست نیاز را کوتاه کرد و هر چه زود تر بهره برداری کامل از سرچشمه وسیع فقه اسلامی را به منظور هماهنگ ساختن تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جهان اسلام با روح تحول-انگیز اسلامی آغاز کرد.